

متن پرسش

سلام. حضرت استاد در حال مباحثه درس ۱۰ نکته از معرفت نفس می‌باشیم و در حال حاضر در نکته شماره ۵ به سر می‌بریم. در حین پرسش‌هایی مطرح شد که لازم می‌دانم عرض کنم. ۱. در بحث مرگ طبیعی و کمال نفس انسان این پرسش مطرح است که حد کمال چیست مگر کمال انتها دارد؟ و آیا انسان‌ها ظرف وجودی‌شان با هم متفاوت است؟ ووکسی کمالش نصف دیگری است؟ و این را چگونه می‌توان تبیین کرد؟ ۲. آیا تعدد و کثرت عمل را نمی‌توان به عنوان کمال گرفت یعنی اگر نفسی ۱۰ سال دیگر زندگی کند در حیوانیت یا انسانیت به هر حال عملی انجام می‌دهد و آنرا می‌توان کمال آن محسوب کرد و یا نه کمال کیفی است و کمی نمی‌باشد؟ ۳. آیا می‌توان مرگ از یاس را بدین معنا گرفت که اراده‌ی انسان وقتی با عملش مغایر باشد بعد از مدتی نفس ناامید از این می‌شود که در افقی که برایش تعیین کرده به کمال قابل توجهی نمی‌رسد؟ ۴. نظر مرحوم ابن‌سینا با نظر جناب ملاصدرا چه تفاوتی باهم در رابطه موضوع مرگ و نزع روح از بدن دارد و نظر ملاصدرا چه ترجیحی دارد که شما آن را مبنای بحث قرار داده‌اید. تقریباً تا نکته ۴ و قسمت اول همین نکته بحث بنا بر فرموده شما تجربی بود و در خود احساس می‌کردیم ولی در موضوع انواع مرگ این مساله تجربی نیست که ما بتوانیم دلیل نزع روح از بدن را کمال آن ببینیم و یا پیری و بیماری! ممنون از زحمات شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در کتاب «خویشتن پنهان» روشن می‌شود تقدیری که خداوند برای هرکس معلوم کرده، حدّ کمال او است. مثل تقدیری که برای زن بودن زنان یا مرد بودن مردان تعیین فرموده ۲- کمال کیفی است و به اراده و رویکرد افراد مربوط است ۳- حرف درستی است ۴- جناب ابن‌سینا به این صورت در رابطه با علت مرگ وارد نشده است. همین‌طور است که می‌فرمایید ما کمال و نقص یا یأس خود را تا حدّی احساس می‌کنیم ولی علت مرگ خود را خودمان احساس نمی‌کنیم. موفق باشید